

تصویرپردازی از ویژگی‌های آینده موعود: به سوی الگوی قرآنی

حجت الاسلام دکتر ولی الله نقی پورفر*

تاریخ دریافت: ۸۶/۸۷

علیرضا افزلی**

تاریخ پذیرش: ۸۶/۱۰/۳

چکیده

تصویرپردازی از آینده یکی از حوزه‌های مورد بحث در آینده‌نگری است. این حوزه با دو رویکرد القایی و بصیرت‌بخش انجام می‌گیرد. تصویرپردازی از آینده را نمی‌توان با رویکرد القایی انجام داد، چرا که از مشروعیت برخوردار نمی‌باشد و در سیر زمان محکوم به شکست است. بنابراین جهت ارائه تصویری عقلایی و منطقی از آینده باید آن را با رویکرد بصیرت‌بخش دنبال نمود. از این رو تنها زمینه قابل اعتنا، آینده‌نگری الهی است که منجر به تصویرپردازی بصیرت‌بخش می‌شود. ادیان و به ویژه دین اسلام و خصوصاً مذهب تشیع، سرشار از تصویرپردازی از آینده است. در قرآن کریم و روایات ائمه (ع) نکات برجسته‌ای در مورد آینده و خصوصیات آن آمده است. در این تحقیق بر آن هستیم تا تصویری روشن از آینده موعود، بر اساس آیات قرآن کریم و روایات ذیل آن‌ها ارائه دهیم. تصویری که بر اساس این تحقیق از آینده موعود ارائه شده، تصویری امید دهنده و روشن از آینده است، تصویری است که بر پیروزی حق بر باطل تأکید داشته و بر اساس گسترش عدل و فراگیر شدن آن ترسیم شده است.

واژگان کلیدی

آینده‌نگری، تصویرپردازی، آینده موعود، وضعیت مطلوب، جامعه پس از ظهور

Naghipourfar @ isu.ac.ir

* استادیار دانشگاه قم

A_afzali313 @ yahoo.com

** کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی دانشگاه امام صادق (ع)

مقدمه

بشر از دیرباز به دنبال درک آینده و پیش‌بینی حوادث آن بوده است. شیفتگی به موضوع وقوف بر آینده (آینده‌دانی) در طول زندگانی بشر و در مکان‌ها و زمان‌های گوناگون و در همه تمدن‌ها از آغاز تاکنون، وجود داشته است. شاید بتوان گفت شوق آینده‌نگری، شعبه‌ای از خصیصه ذاتی «علم‌جویی» بشر است. مردم دوست دارند بدانند سرنوشت جهان در آینده چگونه رقم خواهد خورد؟ تاریخ بشری به کدام سمت حرکت می‌کند؟ انسان چه برنامه و تصمیمی برای آینده باید بگیرد؟ آیا دنیا به سمت پیشرفت و توسعه حرکت می‌کند یا تعالی و تکامل؟ در آینده دور یا نزدیک، زندگی بشری چگونه خواهد بود؟ آیا وعده‌های ادیان و مکاتب درباره آینده تحقق خواهد یافت؟

ادیان به واسطه آنکه دربرگیرنده یک سری از بایدها و نبایدها (ایدئولوژی‌ها) می‌باشند، دارای ماهیتی آینده‌نگرانه هستند. در میان ادیان، دین اسلام و به ویژه مذهب تشیع از این لحاظ برجسته بوده و برای توصیف آینده و تصویرپردازی از آن، از بهترین منابع برخوردار است که همانا آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) می‌باشد. قرآن کریم به حس کنجکاوای انسان درباره آینده پاسخ داده و تصویری روشن از آینده در مقابل او قرار می‌دهد. در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که به توصیف آینده بشر می‌پردازد. در کلام ائمه معصومین (ع) نیز روایات زیادی در رابطه با آینده جهان و خصوصیات آن وجود دارد. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در روایات اهل بیت (ع) تأکید بیش از حد بر آن شده و روایات زیادی را به خود اختصاص داده، موضوع مهدویت است که آینده بشر را روشن می‌کند. با توجه به آنکه هم قرآن کریم و هم روایات اهل بیت (ع) از منبع زلال وحی سرچشمه می‌گیرند نه از ذهن بشری، می‌توان به آن در جهت دستیابی به تصویری روشن، درست و حتمی از آینده اتکا کرد.

این مقاله به دنبال آن است تا بر اساس آیات قرآن کریم، تصویری روشن از آینده موعود ارائه دهد. در ابتدا با توجه به موضوع، مختصری به بحث آینده‌نگری و تصویرپردازی اشاره نموده و در نهایت به ارائه تصویر آینده موعود بر اساس آیات قرآن کریم و روایات ذیل آن‌ها می‌پردازد.

۱. آینده‌نگری^۱

باید توجه داشت که در حوزه علوم انسانی برای بسیاری از مفاهیم می‌توان به تعداد انسان‌ها تعریف ارائه نمود؛ زیرا هرکس بنا بر دانش، شناخت و بینش خود، از واژه‌ها تعریفی ارائه می‌دهد و حتی این تعدد تعاریف در بین صاحب نظران این علوم نیز وجود دارد. البته مادامی که اصول و مبانی مسلم این علوم نقض نشده و مفاهیم تغییر نیابند، ارائه تعریف متفاوت از سوی کارشناس و خبره آن حوزه پذیرفتنی است. حوزه آینده‌نگری نیز از این امر مستثنی نبوده و به تعبیری، حوزه‌ای از دانش است که هنوز نام خاص و مورد قبولی برای آن وضع نشده است.

در بسیاری از نوشتارها و گفتارهایی که پیرامون آینده‌نگری در دسترس است، تعریف خاص و مشخصی از این واژه داده نشده است، بلکه عمدتاً سعی بر این بوده که با ذکر مصادیق، اهداف، روش‌ها و اصول، موضوع تبیین شود.

در فرهنگ لغت وبستر، آینده‌نگری، به مطالعه دقیق و موشکافانه در مورد شرایط محتمل و یا مفروض آینده از طریق مقایسه شواهد و روندهای شناخته شده تعریف شده است. (گودرزی و ندری، ۱۳۸۲، صص ۲۳ و ۲۴)

اما اگر بخواهیم تعریف کامل‌تر و جامع‌تری از آینده‌نگری ارائه دهیم، باید به تعریفی که گروهی از محققین در این زمینه ارائه داده‌اند، اشاره کنیم:

«توانایی تصور آینده از طریق مطالعه، تحقیق و یا تصویرپردازی با بهره‌مندی از روش‌های علمی، آموزه‌های دینی و یا کشف و شهود غیرمادی». در این تعریف،

آینده‌نگری در دو بستر الهی و بشری متصور شده و مفهومی بسیار عام و در عین حال دقیق‌تری را شامل شده است. از سوی دیگر بر روش علمی به عنوان یکی از روش‌های آینده‌نگری تأکید شده است. (گودرزی و ندری، ۱۳۸۲، ص ۲۴)

۱-۱. واژه‌شناسی

معمولاً در حوزه آینده‌نگری، واژه‌های متعددی به کار می‌رود که عدم رعایت مرزبندی بین آنها، یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف مطالعات این حوزه است. لذا در اینجا نگاهی گذرا به مهم‌ترین واژگان حوزه آینده‌نگری جهت تبیین هر یک و ارائه مرزبندی بین آنها خواهد شد.

واژگان مهمی که در حوزه آینده به کار می‌روند، عبارتند از: «آینده‌نگری، آینده‌پژوهی، پیش‌گویی، پیش‌بینی، تصویرپردازی و برنامه‌ریزی راهبردی». حال به تعریف هر یک از این واژگان پرداخته می‌شود: (گودرزی و ندری، ۱۳۸۲، صص ۱۶-۲۴)

۱-۱-۱. پیش‌گویی^۲

بیان وقوع حتمی رخدادهای آتی است که عمدتاً فاقد مبنای علمی و مستند بر یک روش علمی مدون بوده و بیشتر بر اساس باور، خرافه و یا یافته‌های متافیزیکی است. در این تعریف، پیش‌گویی امری است غیرعلمی؛ به این معنا که با روش علمی نمی‌توان در مورد صحت و دقت پیش‌گویی نظر داد، زیرا روش تحصیل آن علمی نبوده که با روش علمی داوری گردد.

۱-۱-۲. پیش‌بینی^۳

حدسی علمی در خصوص ادامه روند آتی متغیرهای مشخص است که عمدتاً توأم با درصدی از خطا بوده و مبتنی بر روش‌های کمی و کیفی است. با توجه به اینکه واژه

پیش‌بینی کاربرد بسیار زیادی دارد و در اذهان عامه مردم نیز راحت‌تر از آینده‌نگری، معنای خود را می‌رساند، اکثر محققان و نویسندگان به جای آینده‌نگری، از این واژه استفاده نموده‌اند.

۱-۱-۳. تصویرپردازی^۴

ترسیم تصویری مطلوب و یا نامطلوب از آینده است که برمبنای درک و نگرش آینده‌نگر در بستری بشری و یا بر اساس سنن و علم الهی در بستر الهی صورت می‌گیرد.

۱-۱-۴. برنامه‌ریزی راهبردی^۵

فرآیند تعیین مقاصد، خطوط کلی فعالیت‌ها و مأموریت‌های سازمان و نیز دست‌یابی به اهداف بلندمدت و حیاتی در محیط رقابتی که مراحل زیر را در بر می‌گیرد: تعیین رسالت سازمان، اهداف، شناسایی عوامل محیطی، اتخاذ استراتژی مناسب، انجام زمان‌بندی، بودجه‌بندی، اجرا و دریافت بازخورد.

۱-۱-۵. آینده‌پژوهی^۶

فرآیند مطالعه و بررسی آینده محتمل از طریق روش‌های علمی متعارف و یا غیر متعارف است. منظور از روش‌های غیر متعارف، روش‌هایی است که آینده‌نگر با استفاده از آن‌ها و بر اساس یافته‌ها و تجارب شخصی خود به مطالعه و بررسی آینده می‌پردازد. در این فرآیند، مراحل مهمی طی می‌شوند که عبارتند از: شناخت تغییر، نقد و تحلیل آن، ترسیم آینده‌های مختلف و محتمل، ترسیم آینده مطلوب و در نهایت برنامه‌ریزی و برای نیل به آن. برای این واژه از معادل آینده‌شناسی و یا مطالعات آینده نیز استفاده کرده‌اند.

۱-۱-۶. آینده‌نگری^۷

توانایی تصور آینده از طریق مطالعه، تحقیق و یا تصویرپردازی با بهره‌مندی از روش‌های علمی، آموزه‌های دینی و یا کشف و شهود غیرمادی است. در این تعریف، آینده‌نگری در دو بستر الهی و بشری متصور شده و مفهومی بسیار عام و در عین حال، دقیق‌تری را در بر می‌گیرد.

۲-۱. بررسی تفاوت بین واژگان

در مورد تشابه و تفاوت بین این واژگان، بیان نکات زیر ضروری است:

- تشابه تمامی این واژگان در بلندمدت بودن، توأم با پذیرش درصدی از خطا و عدم محدودیت روشی و یا فرضیات خاص در حیطه انجام است.
- تفاوت پیش‌گویی با سایر موارد در قطعیت است. در این حالت، آینده‌نگر ادعا می‌کند به طور قطع و بدون هیچ خطا و اشتباهی، آینده، تصویر شده است که او گفته است. حال آنکه در بقیه موارد، آینده‌نگر خطا و درصد اشتباه را می‌پذیرد.
- تفاوت آینده‌پژوهی با پیش‌گویی در عقلانیت است. منظور از عقلانیت، آن است که خروجی فرآیند آینده‌پژوهی با اصول عقلی و منطقی بشری قابل بررسی و داوری است، اما خروجی پیش‌گویی با اصول و یافته‌های عقلانی قابل تحلیل و تعمیم نیست.
- در پیش‌بینی، متغیرها عمدتاً کمی، عینی و شناخته شده‌اند، روابط ایستا است و آینده، مجرد و منفرد از تغییرات ناخواسته فرض می‌شود.
- در آینده‌نگری، آینده فعال و خلاق، در عین چندگانگی، نامشخص است؛ روابط، پویا و ساختارها در حال تکامل هستند. همین‌طور متغیرها کمی و کیفی بوده و حتی می‌توانند ذهنی و مستتر باشند.

- به جز واژه آینده‌نگری و تصویرپردازی، باقی واژه‌ها در بستر الهی کاربرد واقعی چندانی ندارند.
- در پیش‌گویی، فقط عامل انسانی نقش دارد، حال آنکه مهمترین نقش در سایر موارد بر عهده داده‌ها، باورها، تکنیک‌ها و نگرش‌های آینده‌نگر است. (گودرزی و ندری، ۱۳۸۲، صص ۲۴-۲۵)

۲. آینده‌نگری دینی (الهی)

در همه ادیان، به ویژه دین‌های الهی، آینده‌شناسی از جایگاه خاصی برخوردار می‌باشد. هر آیین و مذهبی، آینده‌های روشن برای پیروانش ترسیم نموده و بهره‌مندی از آن را به ایشان وعده داده است.

در آینده‌پژوهی دینی، اساس یافته‌ها درباره آینده، از اخبار آسمانی و یا پیش‌بینی‌های نسبتاً قطعی به دست می‌آید که از سیستم «علی - معلولی» حاکم در جهان نشأت می‌گیرد. ادیان الهی به انسان توصیه می‌کنند با درک و شناخت قوانین الهی حاکم در هستی، آینده را ترسیم کرده و خود را برای آن آماده سازند. علاوه بر آن، ادیان به انسان، یک زندگی ایدئولوژیک می‌دهند که خود ماهیتی آینده‌نگرانه دارد. به این معنا که ادیان به پیروانشان، طرز زندگی خاصی را توصیه می‌کنند که آنان را به صلاح دنیوی و سعادت اخروی می‌رساند. (کميجانی، ۱۳۸۴، صص ۶-۸)

بسیاری دین را منبع عظیم آینده‌نگری می‌دانند و قائل به این معنا هستند که چون ماهیت آینده‌نگری، حدسی در مورد آینده است، لذا هیچ‌کس نسبت به آن، محق‌تر و سزاوارتر از مبدع خلق یعنی پروردگار نیست. پس دین منبع اصلی آینده‌نگری محسوب شده است. اما در مقابل می‌توان گفت برخی چون آینده‌نگری را مملو از خطا و متهم به خرافه می‌دانند، لذا هرگونه ارتباط بین دین و آینده‌نگری را مردود دانسته و دامان دین را منزله از اوهام و خطا بر می‌شمرند. از دیگر سو، چون آینده‌نگری یعنی بدون تصمیم

و اراده قاطع حرف زدن، پس لاجرم بحث در مورد آینده با تردید همراه است، حال آنکه دین تردید بردار نیست. اما در حقیقت بین آینده‌نگری و دین کاملاً ارتباط برقرار است. (گودرزی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۵)

قرآن کریم و کلام گهربار معصومین(ع)، مملو از آینده‌نگری‌هاست. قرآن آینده زمین را از آن مستضعفین می‌داند و بخشی از روایات موجود در منابع اسلامی، دارای شواهد روشنی از آینده‌نگری است.

اگر آینده‌نگری را مترادف غیب‌گویی بدانیم، در حق بسیاری از معجزات، کلام‌ها و روایات دینی(به معنای عام) جفا کرده‌ایم. زیرا هیچ‌کدام از مصادیق آن‌ها دارای ویژگی تعریف مطرح در بخش قبل از پیش‌گویی نیست. اگر آینده‌نگری را مترادف با پیش‌بینی بدانیم نیز راه به بی‌راهه برده‌ایم. زیرا دین به دنبال تحلیل و ترسیم داده‌های کمی نیست. اما اگر در آینده‌نگری به سوی روش تصویرپردازی تمایل داشته باشیم، در این صورت دین دارای تصویرپردازی‌های متعدد است. زیرا به عنوان مثال، آنچه در قرآن کریم در مورد سرنوشت ایران و روم، سرنوشت مؤمنان و مظلومان و... آمده، از جنس و نوع تصویرپردازی است. یعنی تصویر حقیقی آتی آن‌ها ذکر می‌شود نه یک واقعه و صفت عارضی. (گودرزی، ۱۳۸۴، صص ۱۲۵-۱۲۶)

بنابراین منابع قرآنی و سنت، در تبیین مبانی و شرایط و حتی شکل، شیوه‌ها و ساختار آینده جهان و تاریخ و وضعیت نظام سیاسی، سیاست و دولت جهانی، به کمک عقل و تجربه می‌آیند و به صورت یقینی، دانسته‌های عقل را تفسیر و تفصیل داده و شکل و ساختار سیاسی آینده را تبیین و روشن می‌سازند و از آن خبر می‌دهند. (کارگر، ۱۳۸۳، ص ۱۷)

در این راستا می‌توان گفت پیش‌بینی‌های دینی، به ویژه در اسلام، درست، یقینی و تحقق‌یافتنی است و نباید در درستی و حتمی بودن آن‌ها تردید کرد؛ زیرا معارف دینی مستند به وحی و الهامات الهی و گفتارهای پیامبر صادق(ص) و امامان معصوم(ع) است

و بسیاری از این پیش‌بینی‌ها درباره حوادث و پدیده‌های تاریخی، واقع شده است. پیش‌بینی حوادث آینده، اگر از منبع وحی و علم الهی و به درستی سرچشمه بگیرد، تحقق آن حتمی است و می‌توان با اطمینان خاطر آن را پذیرفت. پیش‌گویی‌هایی که در قرآن و سخنان معصومین (ع) آمده که تحقق آن در تاریخ مشاهده شده، از همین مقوله است و تردیدی در درستی آن وجود ندارد. (کارگر، ۱۳۸۳، صص ۲۹-۳۰)

۳. تصویرپردازی

تصویرپردازی از جمله مهم‌ترین روش‌های آینده‌نگری است. در این روش، آینده‌نگر با تکیه بر دانش و تحلیل خود، آینده را برای دیگران ترسیم می‌نماید. در واقع این روش، بسیار شبیه آینده‌سازی است؛ اما تفاوت اصلی میان آن‌ها در منظور، هدف و نتیجه کار آینده‌نگر است. در این روش، وی تصویر آینده را آن گونه که می‌پندارد و نه لزوماً آن طور که می‌خواهد، بیان می‌کند. (گودرزی، ۱۳۸۵، ص ۳۲) در روش آینده‌سازی، آینده‌نگر با استفاده از توان خود در تحلیل حوادث گذشته، خلق تصویری از آینده، تجارب علمی و یا اجرایی و... در دیگران نفوذ نموده و آینده را آن گونه که خود می‌خواهد برای دیگران ترسیم می‌نماید. در مواردی که قدرت نفوذ وی زیاد باشد، به قدری این آینده‌سازی در دیگران تأثیر می‌گذارد که آن‌ها دقیقاً آن سرنوشتی را برای خود ممکن می‌شمارند که آینده‌نگر برایشان گفته باشد. (گودرزی و ندری، ۱۳۸۲، ص ۵۴)

در حالی که پیش‌بینی دقیق آینده سیستم‌های اجتماعی، بسیار دشوار و بعید به نظر می‌رسد، در دهه‌ها و به ویژه در سال‌های اخیر تصاویری از آینده به جهانیان عرضه شد تا علایق گروه‌های متنوع و متعدد انسانی را در جوامع گوناگون تحت تأثیر قرار دهد. نقطه آرمانی وضع مطلوب برای سیاستمداران کشورهای پیشرو آن است که آینده کشور خود و محیط (سایر کشورهای مرتبط) را به گونه‌ای که خود می‌خواهند شکل دهند.

برای نمونه از این گونه تصاویر القایی، می‌توان به تصاویری که نوستر آداموس درباره آینده به جامعه بشری ارائه داده و یا تصاویر ارائه شده از سوی فرانسیس فوکویاما و تافلر و یا به نظریه برخورد تمدن‌های ساموئل هانتینگتون اشاره کرد.^۸

جالب آنکه در همه این تصاویر، یا غرب پیروز میدان است یا مدیریت میدان را بر عهده دارد و درصدد تفوق استراتژیک بر جهان است و یا اینکه می‌خواهد تفوق فلسفه سیاسی خود را به رخ جهانیان بکشد.

۳-۱. رویکرد بصیرت‌بخش، بنیان مشروعیت تصویرپردازی از آینده

تصویرپردازی از آینده را می‌توان با دو رویکرد اتخاذ کرد: رویکرد القایی و رویکرد بصیرت‌بخش. اتخاذ رویکرد القایی به تنظیم استراتژی‌های ناپایدار می‌انجامد و در بلند مدت، اعتبار استراتژی ملی را خدشه‌دار می‌سازد؛ زیرا هر گونه اصرار به آینده‌سازی القایی (به جای آینده‌نگری صادقانه) در سیر زمان، محکوم به شکست خواهد بود؛ به ویژه با توجه به روند تدریجی افزایش بلوغ جامعه بشری که بر احتمال وقوف سریع‌تر بر سرشت القایی طرح‌های این چنین می‌افزاید. (پورعزت، ۱۳۸۳- الف، ص ۸)

در واقع آنچه که موجب اثربخشی و پایایی تصویرپردازی می‌شود، اجماع نظر اعضای جامعه درباره تصویر آینده و برانگیختگی عناصر اجتماعی و جزم عزم ملی برای عینیت بخشیدن به آن در وضعیت واقعی است. توجه به این نکته مهم است که ارائه هر طرح تصویرپردازی، نوعی اقدام در وضعیت آینده جوامع است. بدیهی است که هر گونه مداخله در زندگی حال و آینده مردم بدون اجازه، اقدامی نامشروع تلقی می‌شود. بنابراین مشروعیت تصویرپردازی در گرو بصیرت‌بخش بودن آن است، زیرا سرشت تصویرپردازی بصیرت‌بخش، مشارکت آگاهانه و مشتاقانه مردم است.

تصویرپردازی بصیرت‌بخش مستلزم سه اقدام مهم است: الف) وقوف بر ماهیت تصویرپردازی‌های القایی و خنثی‌سازی آن از طریق افشای اطلاعات و دانسته‌ها. ب)

تصویرپردازی از آینده با تأکید بر خواست عمومی مردم و منافع ملی و ارائه مدل عملی. ج) برانگیختن عزم ملی و تدوین استراتژی ملی برای عینیت بخشیدن به تصویر جایگزین. (پورعزت، ۱۳۸۳- الف، ص ۹)

اتخاذ این استراتژی با رویکرد بصیرت‌بخش، این قابلیت را ایجاد می‌کند که مردم زمان حال و آینده متشکل گردند و آگاهانه و مشتاقانه در قالب گروه‌های کار، فرا زمانی سازمان یابند. هر گروه را می‌توان مجموعه‌ای از انسان‌ها فرض کرد که در دوره‌های گسسته یا پیوسته‌ای از تاریخ، برای نیل به اهدافی که گاهی پیش از تولد آن‌ها تعیین شده‌اند و احتمالاً پس از مرگ آن‌ها تحقق می‌یابد، هماهنگ با یکدیگر تلاش می‌کنند. در کوتاه مدت، وقتی انسانی هوشیارانه و آگاهانه برای تحقق یک هدف تصمیم می‌گیرد و به یک گروه کار می‌پیوندد، می‌توان انتظار داشت که در یک روال منطقی، تلاش خود را برای نیل به اهداف گروه مبذول نماید. اما چگونه می‌توان انتظار داشت که فردی در چند سال بعد، به تحقیق یک هدف اجتماعی تعریف شده و تکامل یافته که نسل‌های پیشین او طراحی کرده‌اند، متعهد بماند؟ به ویژه هنگامی که انگیزه مالی نقش چندانی در برانگیختگی افراد به کار نداشته باشد. این نکته بسیار حایز اهمیت است، زیرا در حقیقت محور بحث، تداوم تصویرپردازی بصیرت‌بخش در طول سال‌های متمادی است. (پورعزت، ۱۳۸۲، صص ۳۹-۴۰)

۲-۳. شهر عدل موعود، مظهر عقلانیت و زیبایی: تصویرپردازی بصیرت‌بخش از آینده

اگر تصویرپردازان بخواهند مختصات جهان آینده را به گونه‌ای ترسیم نمایند که شوق مستمر و پایدار مردم را به تحقق آن برانگیزانند، باید با تعهد به حقیقت، به دو مبنای مهم پای‌بند باشند: عقلانیت و زیبایی.

انسان‌ها رشد می‌کنند، فرهنگ‌ها تغییر می‌یابند و تمدن‌ها متحول می‌شوند؛ با این وجود، هرگز آنچه که آدمیان به طور منطقی دریافته‌اند، دگرگون نمی‌شود. انسان‌ها

هرگز نمی‌توانند باورهای قطعی عقلانی خود را از نظر دور دارند. در واقع برای نفوذ بر اندیشه آدمی، هیچ چیز موثرتر از منطق نیست.

همچنین است تمایل آدمی به ادراک زیبایی‌ها. شوق ادراک زیبایی‌ها، محرک مهمی است که در عالی‌ترین درجات انسانی، مشوق رفتار آدمیان است. در واقع اگر عقلانیت، جهت و مسیر حرکت صحیح را مشخص کند، شوق زیبایی شناسانه، نیرو و حرارت ضروری برای حرکت را فرا راه آدمی قرار می‌دهد. بنابراین پایان کار انسان در بهترین وضعیت قابل تصور، وضعیتی است که رفتارهای فردی و اجتماعی، دقیقاً منطبق بر اصالت عقل و کاملاً متناسب با حقیقت هنر باشد. از این رو، تصویرپردازان موعود وظیفه دارند سیر خود را در دو طریق منطبق بر عقل‌گرایی علمی و زیبایی‌شناسی هنری استمرار بخشند.

مختصات «شهر موعود» به گونه‌ای است که تمایلات زیبایی شناسانه آدمیان در ترسیم قواعد و مناسبات اجتماعی را به بهترین نحو پاسخ می‌دهد. رهبر این تمدن با مراتبی وصف ناپذیر از زیبایی در رفتار و سلوک فردی و اجتماعی شناسایی می‌شود و رفتار مردم نیز از این زیبایی تأثیر می‌پذیرد. (پورعزت، ۱۳۸۳-ج، صص ۲۳۸-۲۴۱)

شهر موعود، شهری است که با خواست عمومی مردم برپا می‌شود و امام مظهر نهایی و نماد تام و اسوه مردم به پا خاسته، برای تحقق آن است. از این رو مردم در این حکومت به ستون دین تشبیه می‌شوند. امام در مقصد راهی ایستاده است که مردم مشتاق طی طریق آنند. او حد اعلای زیبایی در رفتار و عقلانیت در آرا را نمایان می‌سازد؛ پس شهر عدل که با رهنمود او ساخته می‌شود، شهری است متکی بر آرای عامه مردم؛ آرای مردم بلوغ یافته و عاقل که احساسات خویش را دست‌مایه حرکت به سوی تحقق آن می‌سازند و در این سیر آگاهانه و هوشیارانه از او الگو می‌گیرند و او را اسوه می‌دانند. (پورعزت، ۱۳۸۳-ب، ص ۶۷)

بدین ترتیب، جامعه عدل شکل می‌گیرد. جامعه‌ای که به دلیل هم‌سویی با اهداف خلقت، به قابلیت بقا و پایداری دست می‌یابد، در اقتدا به امامی که حسن جمال عالمین است. (پورعزت، ۱۳۸۳- ج، ص ۲۴۱)

۴. مروری بر تصویر آینده موعود

در این بخش آیاتی از قرآن که به نوعی به تصویر پردازی از آینده موعود پرداخته است، را با توجه به روایات ذیل آن‌ها مورد بررسی اجمالی قرار می‌گیرد.

۴-۱. حکومت صالحان در زمین

اولین و مهم‌ترین سؤال در رابطه با ویژگی‌های آینده موعود، آن است که حکومت زمین در آینده به چه کسانی می‌رسد؟ از نظر آیات قرآن کریم و روایات ذیل آن‌ها، وارثان زمین در آینده موعود چه خصوصیتی دارند؟ حکومت آینده موعود چه ویژگی‌هایی دارد؟

۴-۱-۱. جانشینی صالحین

با مراجعه به آیات قرآن کریم، با سه آیه مواجه می‌شویم که در آن‌ها به جانشینی و وراثت زمین در آینده موعود اشاره شده است. این سه آیه را مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»

«خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن چنان که تنها

مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن‌ها فاسقانند.» (نور: ۵۵)

اولین نکته در مورد دو ویژگی مهم افرادی است که خداوند در این آیه وعده استخلاف را به آن‌ها داده است. با دقت در این آیه در می‌یابیم که خداوند وعده خود را به کسانی که اولاً ایمان دارند و ثانیاً عمل صالح انجام می‌دهند، داده است

طبق این بیان و براساس این آیه وعده خداوند در مورد جانشینی زمین، فقط مخصوص کسانی است که ایمان و عمل صالح داشته باشند. اینکه چرا خداوند در این آیه از میان تمام خصوصیات و ویژگی‌های این افراد، تنها دو ویژگی ایمان و عمل صالح آن‌ها را بیان می‌کند، خود جای تأمل دارد. شاید بتوان این گونه گفت که در زمانی که جامعه موعود شکل می‌گیرد و زمین خالی از وجود شرک و ظلم و کفر می‌شود، مهمترین ویژگی که با آن دوران تناسب دارد، ویژگی ایمان و عمل صالح است. یعنی تنها مؤمنین صالح، جانشینان زمین در جامعه موعود هستند و در آن جامعه کفر و فسق و ظلم جایی ندارد.

همچنین از تأکید بر ویژگی بندگی خدا و صالح بودن، در این وعده بزرگ الهی می‌توان به شروط تحقق این وعده عظیم پی برد که احساس نیاز و طلب چنین نظامی و شوق راستین به آن و وسیله تحقق آن، بندگی خالصانه خداوند و تلبس به فرامین او می‌باشد که در آیه ۱۰۵ سوره انبیا نیز این معنا تأکید شده است. (نقی پورفر، ۱۳۷۷، ص ۲۱۴)

این جامعه طیب و طاهر با فضیلت و قداستی که دارد، هرگز تاکنون در دنیا منعقد نشده است و دنیا از روزی که پیامبر (ص) به رسالت مبعوث گشته تاکنون چنین جامعه‌ای به خود ندیده است. ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار امام زمان (عج) خواهد بود، چون اخبار متواتری که از رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) در خصوصیات

آن جناب وارد شده است، از انعقاد چنین جامعه‌ای خبر می‌دهد، البته این در صورتی است که روی سخن در آیه را متوجه جامعه صالح بدانیم، نه تنها حضرت مهدی (عج) پس حق مطلب این است که آیه شریفه جز با جامعه‌ای که به وسیله ظهور مهدی (عج) به زودی منعقد می‌شود، قابل انطباق با هیچ جامعه دیگری نیست. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، صص ۲۱۳-۲۱۷)

در مجمع البیان در ذیل آیه مذکور مرحوم طبرسی گفته است: «مفسرین در اینکه الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ چه کسانی‌اند، اختلاف کرده‌اند و از اهل بیت (ع) روایت شده که منظور مهدی از آل محمد (ص) است.» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۷، ص ۱۵۲)

ب: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ»

«و همانا در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد. به راستی در این سخن برای خداپرستان پیام روشنی است.» (انبیاء: ۱۰۶-۱۰۵)

مقصود از ارض، زمین دنیا می‌باشد که خداوند آن را به ارث صالحین در می‌آورد. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۲۸۸)

در مورد عبارت «عبادی الصالحون» با توجه به اضافه شدن بندگان به خدا، مسئله ایمان و توحید آن‌ها روشن می‌شود و با توجه به کلمه «صالحون» که معنی گسترده و وسیعی دارد، همه شایستگی‌ها به ذهن می‌آید، شایستگی از نظر عمل و تقوا و شایستگی از نظر علم و آگاهی، شایستگی از نظر قدرت و قوت و شایستگی از نظر تدبیر و نظم و درک اجتماعی. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۵۱۷)

با مراجعه به تفاسیر روایی از جمله تفسیر نورالثقلین و تفسیر البرهان به روایاتی در ذیل این آیات بر می‌خوریم که به توضیح این آیات و بیان مصادیق «عبادی الصالحون» کمک می‌کند.

این وعده نشان می‌دهد آنچه در حکومت داوود(ع) و سلیمان(ع) مطرح است، نمونه‌ای از حکومت جهانی واحد الهی است، در غیر اینصورت معنی ندارد خداوند به مردمی که شکوه و جلال حکومت داوودی و سلیمانی را تجربه می‌کنند، با تأکید و به عنوان مطلوبی بزرگ، حکومتی کم جلوه‌تر از حکومت داوود(ع) و سلیمان(ع) را در آینده وعده دهد.

همچنین اختصاص ذکر این وعده حکومت جهانی در «تورات» و «زبور» و «قرآن» از میان کتب آسمانی، ظاهراً به جهت تجربه حکومت مؤمنین بر بخشی از زمین می‌باشد که این تجربه هم نابوری صالحان را در رسیدن به حکومت از میان برده و هم شوق رسیدن به حکومت همه زمین را به واسطه چشیدن برکات حکومت اسلامی زمان خویش را در وجودشان قوت بخشیده است. (نقی پورفر، ۱۳۷۷، ص ۲۱۴)

ج: «و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»
 «و می‌خواستیم بر کسانی که در زمین به زبونی کشیده شده‌اند، منت نهیم و آن‌ها را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارثان زمین کنیم.» (قصص: ۵)

آیه فوق سخن از یک برنامه موضعی و خصوصی مربوط به گروه خاصی نمی‌گوید، بلکه بیانگر یک قانون کلی است برای همه اعصار و قرون و همه اقوام و جمعیت‌ها. این بشارتی است برای همه انسان‌های آزاده و خواهان حکومت عدل و داد و برچیده شدن بساط ظلم و جور.

نمونه‌ای از تحقق این مشیت الهی، حکومت بنی اسرائیل و زوال حکومت فرعونیان و نمونه کامل‌تر، حکومت پیامبر اسلام(ص) و یارانش بود. حکومت پابرهنگه‌ها و تهی‌دستان با ایمان و مظلومان پاکدل که پیوسته از سوی فراعنه زمان خود مورد تحقیر و استهزاء بودند و تحت فشار ظلم و ستم قرار داشتند و بالاخره نمونه «گسترده‌تر» آن ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین به دست مهدی(عج)

است. این آیه از جمله آیاتی است که به روشنی بشارت ظهور چنین حکومتی را می‌دهد، لذا در روایات داریم که اهل بیت(ع) در تفسیر این آیه اشاره به این ظهور بزرگ کرده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، صص ۱۷-۱۸)

در نهج البلاغه از امیرالمؤمنین(ع) چنین آمده است: «دنیا پس از چموشی و سرکشی، همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده‌اش خودداری می‌کند و برای بچه‌اش نگه می‌دارد؛ به ما روی می‌آورد... سپس آیه فوق را تلاوت فرمود.» (نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۲۰۹)

در حدیث دیگر از همان امام بزرگوار(ع) است که در تفسیر آیه فرمود: «این گروه مستضعفین آل محمد(ص) هستند که خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می‌شود، برمی‌انگیزد و به آنها عزت می‌دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می‌کند.» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۱۰)

۴-۱-۲. برخی از ویژگی‌های صالحین

در این قسمت برخی از آیاتی که به نوعی به بیان ویژگی‌های صالحین و خصوصیات حاکمان آینده می‌پردازد، احصا کرده و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) بر پا داشتن نماز و ادای زکات و امر به معروف و نهی از منکر
«الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»

«آنان کسانی هستند که اگر در زمین به آنها مکنت دهیم، نماز را بر پا داشته و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.» (حج: ۴۱)

در روایات اهل بیت(ع) در ذیل آیه، این آیه به اهل بیت پیغمبر(ص) تفسیر شده

است.

همچنین علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود از امام باقر(ع) روایتی نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «این آیه مخصوص آل محمد(ص) و مهدی(عج) و اصحابش می‌باشد که خداوند آن‌ها را مالک شرق و غرب زمین می‌گرداند و خداوند به واسطه آن حضرت و اصحابش دین را ظاهر می‌کند و بدعت‌ها و باطل را از بین می‌برد همان طور که سفیهان حق را از بین بردند، تا آنکه هیچ اثری از ظلم دیده نشود و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.» (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۸۹۳)

ب) محب و محبوب خدایند

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةَ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زیانی نمی‌رساند خداوند جمعیتی را می‌آورد که آن‌ها را دوست دارد و آنان(نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند آن‌ها در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این فضل خداست که به هر کس بخواهد و شایسته ببیند می‌دهد و فضل خدا وسیع و خداوند داناست.» (مائده: ۵۴)

در بعضی از روایات صادره از اهل بیت(ع) در تفسیر این آیه، مصداق آن به حضرت مهدی(عج) و یاران آن حضرت تأویل شده است. (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۳۱۵)

نعمانی در کتاب غیبت خود از سلیمان بن مارون العجلی روایت می‌کند که می‌گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که آن حضرت فرمود: «به درستی که صاحب امر، اصحابش برایش محفوظ هستند. حتی اگر همه مردم از دنیا بروند، خداوند اصحاب او

را برایش می‌آورد و آن‌ها کسانی‌اند که خداوند درباره آن‌ها فرموده است «فان یکفر بها هولاء...» و همچنین درباره آن‌ها فرموده است: «فسوف یأتی الله...» (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۳۱۵)

این آیه جامع تمام صفاتی است که صالحین دارند و نکاتی که در آیات دیگر درباره ویژگی‌های صالحین ذکر شده، در این آیه آمده است. برای روشن شدن این مطلب به توضیح علامه طباطبائی در ذیل این آیه اشاره می‌شود: «دوست داشتن این گروه خدا را، لازمه‌اش آن است که پروردگارش را بر هر چیز دیگری غیر خدا که مربوط به خودشان باشد، از قبیل مال و جاه و یا خویشاوند یا غیر آن مقدم بدانند، بنابراین قومی که وعده آمدنشان داده شده، احدی از دشمنان خدای سبحان را دوست نمی‌دارند و اگر قرار باشد فردی از افراد انسان را دوست بدانند اولیای خدا را به ملاک دوستی با خدا دوست می‌دارند. اما اینکه خدا آنان را دوست می‌دارد، لازمه‌اش این است که این طائفه از هر ظلمی و از هر پلیدی معنوی یعنی کفر و فسق مبرا باشند. حال یا به عصمت الهی و یا با مغفرت الهی و از راه توبه. دلیل بر اینکه دوستی خدا چنین لازمه‌ای دارد این است که آنچه گناه و ظلم هست، مبعوض خدای تعالی است و کسی که خدا او را دوست می‌دارد ممکن نیست که از ظلم و پلیدی‌های معنوی مبرا نباشد و گرنه خدا ظلم را دوست داشته و حال آنکه در آیات زیر فرموده که خدای سبحان کفر و ظلم و اسراف و افساد و تجاوز و استکبار و خیانت را دوست ندارد، مانند این آیات: فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ (آل عمران: ۳۲)، وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (آل عمران: ۵۷)، إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (انعام: ۱۴۱)، وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (مائده: ۶۴)، إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (بقره: ۱۹۰)، إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُشْتَكْبِرِينَ (نحل: ۲۳)، إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ (انفال: ۵۸) و آیاتی دیگر از این قبیل. این آیات، آنچه رذائل انسانیت هست در این چند جمله جمع

کرده است و اگر انسانی به خاطر اینکه خدای تعالی او را دوست دارد، این رذائل از او بر طرف شده باشد، قهراً چنین انسانی به فضائل متصف می‌شود که مقابل آن رذائل است، چون ممکن نیست فردی از انسان متصف به هیچ‌یک از صفات فضیلت و رذیلت نباشد، مگر انسانی که هنوز متخلق به خلقی نشده و اما بعد از متخلق شدن، بالآخره یا به فضائل متخلق می‌شود و یا به رذائل. نتیجه می‌گیریم که این مؤمنین که خدا دوستشان دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند، ایمانشان آمیخته با ظلم نیست، همانهایی هستند که خدای تعالی در باره آنها فرموده: الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهُتَدُونَ (انعام: ۸۲)، پس چنین افرادی از ضلالت ایمن‌اند، برای اینکه در این آیه فرموده: اینان راه را یافته‌اند و در آیه زیر می‌فرماید: خدا کسی را که گمراه کند، هدایت نمی‌کند: فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ (نحل: ۳۷)، پس این افراد از هر ضلالتی در امنیتی الهی و آسمانی قرار دارند و بر هدایت الهی به سوی صراط مستقیم او هستند و با ایمانشان که خدای تعالی آنان را در آن ایمان تصدیق فرموده، به چیز دیگری نیز هدایت شده‌اند و آن عبارت است از پیروی رسول (ص) و تسلیم تام در برابر آن جناب، پس چنین افرادی تسلیم رسول خدا (ص) نیز هستند، همان طور که تسلیم بی‌قید و شرط خدای سبحانند، زیرا خدای تعالی درباره مؤمنین واقعی فرموده: فَلَا وَ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (نساء: ۶۵).

در اینجاست که این معنا تمام می‌شود که این افراد از مصادیق آیه شریفه زیرند که می‌فرماید: قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ (آل عمران: ۳۱) و با این آیه روشن می‌شود که بین پیروی رسول (ص) و محبت خدا ملازمه هست، هر کس که پیرو رسول خدا (ص) باشد، خدا او را دوست می‌دارد و معلوم است که خدای تعالی، بنده‌ای را دوست نمی‌دارد مگر وقتی که پیرو

رسولش باشد و وقتی رسول را پیروی کردند، به هر صفت خوبی که خدا آن را دوست می‌دارد متصف می‌شوند، مانند تقوا، عدل، احسان، صبر، ثبات، توکل و توبه و خود را از پلیدی‌ها پاک نگهداشتن و امثال آن، مانند آیات زیر: فَإِنَّ اللَّهَ يُجِيبُ الْمُتَّقِينَ (آل عمران: ۷۶)، إِنَّ اللَّهَ يُجِيبُ الْمُحْسِنِينَ (بقره: ۱۹۵)، وَاللَّهُ يُجِيبُ الصَّابِرِينَ (آل عمران: ۱۴۶)، إِنَّ اللَّهَ يُجِيبُ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُومٌ (صف: ۴)، إِنَّ اللَّهَ يُجِيبُ الْمُتَوَكِّلِينَ (آل عمران: ۱۵۹)، إِنَّ اللَّهَ يُجِيبُ التَّوَّابِينَ وَ يُجِيبُ الْمُتَطَهِّرِينَ (بقره: ۲۲۲) و آیاتی دیگر از این قبیل. اگر آیاتی را که آثار این اوصاف و فضائل را شرح می‌دهد، آمارگیری کنید به خصلت‌های ستوده بسیاری دست می‌یابید و متوجه می‌شوید که همه آن‌ها به این معنا برگشت می‌کند که صاحبان این خصلت‌ها همان افرادی هستند که قرآن کریم وارث زمینشان خوانده و دارندگان عاقبه الدارشان معرفی نموده، هم چنان که آیات مورد بحث نیز به این خصوصیات اشاره نموده و در یک کلامی جامع فرموده: وَ الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى (طه: ۱۳۲).» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۵، صص ۶۳۴-۶۲۳)

۴-۱-۳. برخی از ویژگی‌های حکومت امام زمان (عج)

همان طور که بیان شد، با توجه به مطرح بودن وعده خداوند در مورد وراثت صالحین در زمان حکومت حضرت داوود و سلیمان، معلوم می‌شود حکومت موعود، حداقل با ویژگی‌های حکومت داوودی و سلیمانی در سراسر جهان به دست عباد صالح برقرار خواهد شد.

حال در اینجا به ویژگی‌های حکومت داوودی و سلیمانی در قرآن پرداخته می‌شود تا بینش و بصیرتی نسبت به حکومت صاحب العصر و الزمان (عج)، برایمان حاصل شود. قرآن کریم در سوره‌های انبیاء، نمل، سباء و ص به بیان این ویژگی‌ها پرداخته است که در مجموع از این قرار است:



پرويشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني

الف) داشتن علم و حکمت در امر قضاوت

«و آتیناهُ الحِکْمَةَ و فَصَلَ الخِطَابَ»؛ «به داوود(ع) حکمت و علم

قضاوت بخشیدن به خصومات بخشیدیم»(ص: ۲۰)

با توجه به اینکه «فصل الخطاب» به معنی عام قضاوت، اختصاص به حضرت داوود(ع) نداشته و هر پیامبری که با شریعت همراه است، دارای آن علم می‌باشد، معلوم می‌شود وجه خاصی از قضاوت است که همان «حکم به باطن» نام دارد که در روایت‌های متعددی از این ویژگی قضاوت حضرت سخن رفته است و این ویژگی در روایات، برای امام زمان(عج) نیز مطرح شده است.

▪ «ای ابا عبیده! هرگاه قائم آل محمد(ص) قیام کند، به مانند قضاوت داوود(ع)

و سلیمان(ع) حکم خواهد نمود که از بینه و شاهدی سؤال نخواهد

کرد».(عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۵۲)

▪ «دنیا به پایان نمی‌رسد تا آنکه مردی از فرزندان من، ظهور خواهد کرد که

مانند قضاوت آل داوود حکم خواهد نمود در حالی که شاهدی را درخواست

نخواهد کرد و حق هر کس را عطا خواهد نمود».(عروسی حویزی، ۱۴۱۵،

ج ۴، ص ۴۵۲)

ب) علم به زبان حیوانات

«و قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ و

أَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ»؛ «سلیمان(ع) گفت: ای مردم! نطق پرنده را تعلیم

یافتیم و از هر چیزی به ما داده شده است».(نمل: ۱۶)

«منطق الطیر» به قرینه شنیدن و فهم نطق مورچه، در آیات بعد، نطق حیوانات را

نیز افاده می‌کند و اختصاصی به نطق پرنده ندارد.

در حدیث این ویژگی از خصائص اهل بیت(ع) معرفی شده است: «امیرمؤمنان(ع)

به ابن عباس فرمود: خداوند نطق پرنده را به ما تعلیم فرموده است همان گونه که به

سلیمان نبی تعلیم نمود و همچنین نطق هر جنبنده‌ای در خشکی و دریا را. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۸۱)

ج) تسبیح و همراهی کوه و دشت و حیوانات در مناجات

«وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ... اِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحُنَا بِالْعَشِيِّ وَالْإشْرَاقِ وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ»؛ «و بنده ما داوود را یاد کن... به راستی ما کوه‌ها را با او مسخر گردانیدیم در حالی که در شامگاه و هنگام طلوع با او تسبیح می نمودند همین گونه پرندگان به حالت اجتماع (با او هم نوا می شدند) همه به خاطر او رجوع می کردند». (ص: ۱۷-۱۹)

همراهی نیز اختصاص به پرندگان ندارد و حیوانات دیگر را نیز در بر می گیرد البته امر هم‌نوایی موجودات با مقام امامت نیز در روایات فراوانی وارد شده است. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۱۵)

د) تسخیر باد و باران

«و لِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ»؛ «و برای سلیمان باد را در حالت طوفانی، مسخر گردانیدیم که به امر او جریان داشت». (انبیاء: ۸۱)

«فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ»؛ «پس ما باد را برای او مسخر نمودیم که به امر سلیمان به راحتی جریان داشت به هر جایی که اعزام می نمود». (ص: ۳۶)

ه) به خدمت گرفتن جنیان و شیاطین و حیوانات

«وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ»؛ «و برای سلیمان (ع) لشکریانش از جن و انس و پرنده، مجتمع شدند پس در قالبی نظام یافته (برای حرکت به مقصدی) قرار گرفتند». (نمل: ۱۷)

«و مِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ...»؛ «و از جن کسانی در برابرش به اذن پروردگارش کارهایی انجام می دادند». (سبا: ۱۲)

«و الشَّيَاطِينُ كُلُّ بَنَاءٍ وَّ عَوَاصٍ وَّ آخِرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ»؛ «و شیاطین هر بنا و غواصی از آنها را مسخر او کردیم و گروه دیگری (از شیاطین) را در غل و زنجیر (تحت سلطه او) قرار دادیم». (ص: ۳۷-۳۸)

«و مِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَّ يَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَّ كُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ»؛ «و گروهی از شیاطین (را نیز مسخر او قرار دادیم، که در دریا) برایش غواصی می‌کردند و کارهایی غیر از این (نیز) برای او انجام می‌دادند و ما آنها را (از سرکشی) حفظ کردیم». (انبیاء: ۸۲)

به خدمت گرفتن عناصر متمرّد از جن، نشانگر استفاده از نیروهای انسانی و جنی در حد بهینه و مطلوبی می‌باشد تا آنجا که هیچ فرد مفیدی در نظام سلیمانی بیکار نمی‌ماند، ولو از اشرار و متمرّدان باشد!

و) در اختیار گرفتن ذخائر دریایی و معدنی طبیعت

«و أَرْسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ... يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَّ تَمَائِيلٍ وَّ جَفَانٍ كَالْجَوَابِ وَّ قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ»؛ «و برای او چشمه مس (روی یا فلزات) را همچون جوی روان ساختیم... جنیان برای او آنچه می‌طلبند از معبدها، تمثالها، ظروف بزرگ غذا همچون حوضها و دیگهای عظیم ثابت می‌ساختند». (سبا: ۱۲-۱۳)

«و أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ»؛ «و آهن را برای داوود (ع) (به اعجاز) نرم کردیم». (سبا: ۱۰)

اینها دورنمایی است از حکومت جهانی اسلام در آخرالزمان که نمونه‌هایش در سیره حضرت داوود (ع) و سلیمان (ع) برای مسلمانان ترسیم شده است. (نقی پورفر، ۱۳۷۶، صص ۲۸۷-۲۹۰)

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های یک جامعه، نوع مکتب و ایدئولوژی‌ای است که اعضای آن جامعه تابع آن مکتب و جهان‌بینی هستند. انسان بدون مکتب و آئین نمی‌تواند زندگی کند، لاجرم باید آئین و روشی را برای زندگی انتخاب نماید. قرآن کریم دین غالب را در آینده موعود دین اسلام می‌داند و می‌گوید در آینده موعود هیچ چیزی جز خدا عبادت نمی‌شود. در آیات زیر به این بحث پرداخته شده است:

الف: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ... وَ لَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ» (نور: ۵۵)

خداوند در این آیه وعده فرموده دینی را که برای آن‌ها پسندیده است، در زمین گسترش دهد و آن را تثبیت گرداند که همانا دین اسلام است. استقرار دیانت اسلام در زمین به معنی جاری شدن فرهنگ اسلامی خالص و تحقق عملی آن در جوامع بشری است آن گونه که خداوند رضایت دارد. با توجه به آیه «اکمال دین» رضایت خدا به دین اسلام در گرو استقرار رهبر منصوب الهی در جامعه بشری می‌باشد که در ادامه همین آیه در سوره نور بر ادای حق خدا و مردم و اطاعت از فرامین رسول خدا(ص) تأکید می‌کند، شاید که وعده الهی تسریع گردد.

ب: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»
«او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر هر دینی که هست، پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش ندارند.» (توبه: ۳۳)

قرآن کریم، از غلبه اسلام بر تمام ادیان خیر می‌دهد. این وعده‌ای صریح و قاطع است.

طبق روایات مختلفی که در منابع اسلامی وارد شده، تکامل این برنامه هنگامی خواهد بود که مهدی(عج) ظهور کند و به برنامه جهانی شدن اسلام تحقق بخشد.

مرحوم طبرسی در مجمع البیان از امام باقر(ع) در تفسیر این آیه چنین نقل می‌کند: «وعده‌ای که در این آیه است به هنگام ظهور مهدی از آل محمد(ص) صورت می‌پذیرد، در آن روز هیچ کس در روی زمین نخواهد بود مگر اینکه اقرار به حقانیت محمد(ص) می‌کند.» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۳۸)

ج: «و قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ»

«با آن‌ها بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین فقط از آن خدا گردد.» (انفال: ۳۹)

در تفسیرهای اهل سنت مانند تفسیر آلوسی (تفسیر روح البیان) و تفاسیر مختلف شیعه روایتی از امام صادق(ع) آمده که در ذیل این آیه چنین فرمود:

«تأویل و تفسیر نهایی این آیه هنوز فرا نرسیده است و هنگامی که قائم ما قیام کند کسانی که زمان او را درک کنند، تأویل این آیه را خواهند دید. به خدا قسم که در آن موقع دین محمد(ص) به تمام نقاط که شب پوشش آرام‌بخش خود را بر آن می‌افکنند، خواهد رسید تا در سراسر روی زمین مشرک و بت پرستی باقی نماند.» (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۶۸۶؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۵۴)

با توجه به این روایت، امام صادق(ع) مصداق تام تحقق آیه را زمان ظهور امام عصر(عج) می‌داند. روایات دیگری هم در ذیل این آیه وجود دارد که از گسترش اسلام و توحید در تمام عالم و همگانی شدن دین اسلام خبر می‌دهد.

د: «و لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ»

«هر که در آسمان‌ها و زمین است، خواه ناخواه فرمان‌بردار اوست و همه به سوی او بازگردانده می‌شوند.» (آل عمران: ۸۳)

در کتاب تفسیر البرهان، روایتی از امام صادق(ع) در ذیل این آیه ذکر شده است که حضرت این آیه را به زمان ظهور حضرت صاحب الامر(عج) تأویل کرده‌اند: «هنگامی که حضرت قائم(عج) قیام کند هیچ زمینی باقی نمی‌ماند مگر اینکه اهل آن

زمین به وحدانیت خدا و نبوت پیامبر (ص) شهادت می‌دهند.» (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۶۵۰)

در روایات دیگر که در ذیل این آیه از ائمه (ع) صادر شده است، نیز این چنین آیه را تأویل کرده‌اند و خبر از همگانی شدن اسلام و مسلمان شدن اهل کتاب در زمان حکومت حضرت مهدی (عج) داده‌اند. (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۶۵۰)

۳-۴. برپایی عدل و گسترش آن

«اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»

«بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند. به تحقیق ما آیات [خود] را برای شما آشکار گردانیدیم، باشد که بیندیشید.» (حدید: ۱۷)

در مصادیق احیاء زمین بعد از مردن آن، در روایات ذیل این آیه از اهل بیت (ع) نکات جالبی ذکر شده است. در زیر به عنوان نمونه به چند روایت اشاره می‌شود:

- در کتاب کافی از امام موسی بن جعفر (ع) نقل شده است که حضرت در تفسیر این آیه فرمودند: «احیاء زمین در این آیه به وسیله قطرات باران نیست، بلکه خداوند عزوجل مردانی را برمی‌انگیزد و آن‌ها عدل را احیاء می‌کنند و زمین به زنده شدن عدل زنده می‌شود و اقامه حدود در زمین نفی بیشتر از باریدن باران در چهل صبح است.» (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۲۸۹؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۷۳)

در این روایت به طور واضح مشخص است که حضرت، منظور آیه را به احیاء و زنده کردن عدل در زمین تفسیر کرده‌اند نه احیاء زمین به باریدن باران. یعنی همان‌طور که باران باعث زنده شدن زمین می‌شود، احیاء عدل و اقامه حدود نیز باعث احیاء زمین می‌گردد و چه بسا احیاء عدل بسیار مهم‌تر از باریدن باران باشد که حضرت تعبیر به چهل روز باریدن آن کردند.

- در کتاب روضه کافی، محمد بن یعقوب کلینی با اسناد خود از محمد حلبی نقل می‌کند که از امام صادق(ع) درباره تفسیر آیه سؤال کردم. آن حضرت فرمودند: «منظور از احیاء زمین، عدل است بعد از جور». (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۲۸۹؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۲۴۲)

در این روایت، امام صادق(ع) احیاء زمین را به عدل و موت آن را به جور و ظلم تفسیر کرده‌اند یعنی بعد از آنکه زمین را جور و ظلم فرا گرفت، خداوند آن را به عدل زنده می‌کند.

از جمع‌بندی این روایات مشخص می‌شود که احیاء زمین که در این آیه ذکر شده است، از نوع احیاء زمین به وسیله آب که در آیات مشابه ذکر شده نیست، بلکه از سنخ دیگری است که بسیار مهم‌تر از نوع اول است. ائمه(ع) احیاء زمین در این آیه را به برپایی و اقامه عدل در جامعه تفسیر کرده‌اند؛ چه آنکه جامعه بی عدل و پر از ظلم و جور، به مانند زمین مرده‌ای است که حیات در آن وجود ندارد.

در روایتی از امام صادق(ع) نقل شده است فرمود: «آگاه باشید به خدا قسم، مهدی(عج) عدالت را همچنان که سرما و گرما وارد خانه می‌شود، وارد خانه‌های مردمان می‌کند و دادگری او همه جا را می‌گیرد.» (مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۶۲؛ حکیمی، ۱۳۷۹، ص ۴۴)

۴-۴. گسترش امنیت

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ... وَ لَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...» (نور: ۵۵)

چنان که اشاره شد خداوند در این آیه به کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آن‌ها را در زمین جانشین قرار می‌دهد و دین آن‌ها را زمین پای برجا می‌دارد. در ادامه آیه، خداوند وعده دیگری نیز به این دسته از افراد

می‌دهد: «حتماً ترس آن‌ها را به امنیت تبدیل می‌کنم، در حالی که مرا پرستش کنند و چیزی شریک من قرار ندهند.» این به نحوی است که امنیت و آرامش بر جامعه آنان سایه می‌افکند، در حالی که نه از دشمنان داخلی بر دین و دنیای خود بترسند و نه از دشمنان خارجی و نه از دشمن آشکار و نه از دشمن پنهان و خدا را عبادت کنند و ذره‌ای برای او شریک قائل نشوند. این وعده خداوند است به کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۲۱۲)

جمله «لیبدلنهم من بعد خوفهم امنا» مانند جمله «ولیمکنن لهم» عطف است بر جمله «لیستخلفنهم» و اصل معنا «لیبدلن خوفهم امنا» بوده است. به بیان ساده‌تر در واقع باید می‌فرمود «ترس ایشان را مبدل به امنیت کردیم»؛ ولی فرموده «ایشان را بعد از ترسشان مبدل به امنیت کردیم» و این تعبیر، استقرار بلافاصله امنیت کامل در همه زمینه‌های فکری، روانی، اجتماعی و سیاسی را از پس استقرار حکومت اسلامی موعود افاده می‌کند. همچنین اثبات و نفی «یعبدوننی لایشركون بی شیئاً»، زایل شدن نفاق از جامعه اسلامی و جلوه‌گری دیانت خالصانه را مطرح می‌کند که این مطلوب متعالی، آرزوی هر مؤمن عاشق ارزش‌های الهی است که برای بسیاری همچون رؤیایی بسیار شیرین تصور می‌شود. (نقی پورفر، ۱۳۷۶، ص ۲۲۳)

تنها بارقه ضعیف از چنین حکومتی، در زمان حضرت داوود (ع) و حضرت سلیمان (ع) جلوه‌گر شد. لیکن به جهت عدم آمادگی جامعه دیگر ادامه نیافت تا مگر ظرفیت بشریت و جامعه دینی بدان جا رسد که توان تحقق این مطلوب را داشته باشد، زیرا بنا نیست این حکومت صرفاً از راه معجزه تحقق یابد، بلکه مبتنی بر ارادات الهی مؤمنان محقق خواهد شد که اگر چنین نبود، معنا نداشت امر غیبت امام زمان (عج) به درازا کشد. با توجه به مقاصد عالیه معنوی محقق در حکومت موعود، معلوم می‌شود: اولاً ما هنوز فاصله زیادی با آن داریم و ثانیاً این حکومت با این اهداف حیرت‌انگیز،

بدون رهبری معصوم(ع) محقق نخواهد شد. رهبری که خود از شرک و نفاق بری بوده، به کمال ارزش‌های الهی متصف باشد تا بتواند آن را در جامعه بشری عینی سازد.

۴-۵. نابودی دولت باطل و پیروزی حق

«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»؛ «بگو حق آمد و باطل نابود شد. بی‌شک باطل نابود شدنی است.» (اسراء: ۸۱)

در مورد تفسیر و تأویل این آیه، روایاتی وجود دارد که این آیه را به قیام امام مهدی(عج) تفسیر کرده است. در کتاب کافی از امام باقر(ع) در تفسیر این آیه نقل شده است که حضرت فرمود: «هنگامی که امام قائم(عج) قیام کند، دولت باطل برچیده می‌شود.» (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۵۷۶؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۱۲)

در روایت دیگری از حکیمه خاتون، عمه امام حسن عسگری(ع) نقل شده است که وقتی امام زمان(عج) متولد شدند، بر بازوی راست مبارک آن حضرت این آیه نوشته شده بود «جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقا» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۱۳)

۴-۶. نابودی شیطان

«قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»؛ «گفت ای پروردگار من! پس تا روزی که [مردم] برانگیخته می‌شوند مهلتم ده، گفت: تو از مهلت یافتگانی، تا روز وقت معین.» (حجر: ۳۶-۳۸)

در این آیات، شیطان از خداوند تبارک و تعالی می‌خواهد که او را تا زمان قیامت مهلت دهد (انظار به معنی مهلت دادن است). خداوند تبارک و تعالی هم با خواسته او موافقت می‌کند و می‌فرماید تو از مهلت داده شدگانی؛ منتها نه تا روز قیامت بلکه تا

روز و وقت معلوم و مشخص. در اینکه منظور از روز معلوم چه روزی است، مفسرین اختلاف دارند.

در تفسیر عیاشی از وهب جمیع و در تفسیر البرهان از شرف الدین نجفی با حذف سند از وهب نقل کرده که گفت از امام صادق(ع) درباره ابلیس پرسش نمودم و اینکه منظور از «یوم وقت معلوم» در آیه چیست؟ فرمود: «ای وهب! آیا گمان کرده‌ای همان روز بعث است که مردم در آن زنده می‌شوند؟ نه، بلکه خدای عزوجل او را مهلت داد تا روزی که قائم ما ظهور کند که در آن روز موی ناصیه ابلیس را گرفته، گردنش را می‌زند. روز وقت معلوم آن روز است.» (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۳۶۶)

در روایات زیادی از ائمه(ع) نقل شده است که «یوم وقت معلوم» همان روز ظهور حضرت مهدی(عج) است. به عنوان نمونه به یک روایت دیگر در این زمینه اشاره می‌شود:

در کتاب معانی الاخبار، شیخ صدوق با سند خود از عبدالعظیم بن عبدالله حسنی نقل می‌کند که گفت شنیدم امام حسن عسکری(ع) می‌فرمایند: «معنای رجیم آن است که شیطان به واسطه لعن از درگاه الهی رانده شده و از هر خیری طرد شده است. هیچ مؤمنی او را یاد نمی‌کند مگر اینکه او را لعن می‌کند و به درستی که در علم خداوند وجود دارد زمانی که حضرت مهدی(عج) ظهور فرماید، هیچ مؤمنی باقی نمی‌ماند مگر اینکه شیطان را با سنگ می‌رانند همان طور که قبل از آن با لعن رانده شده بود.» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۳)

بنابراین با توجه به روایاتی که گفته شد، منظور از «وقت معلوم» روز ظهور امام زمان(عج) است که وقتی آن حضرت تشریف فرما شوند، شیطان به قتل می‌رسد. البته در مورد کیفیت قتل او و قتل اعوان و انصار او در روایات، مطالب مختلفی آمده که از بحث ما خارج است. منتها نکته مهم آن است که نابودی شیطان زمانی تحقق می‌یابد که جامعه انسانی از گناه و شر رهایی یافته، به خیر و صلاح می‌رسد، به گونه‌ای که در

روی زمین جز خدا کسی پرستش نمی‌شود و بساط کفر و فسق برچیده می‌گردد. زندگی نیکو گشته و مرض‌های درونی و وساوس قلبی از میان می‌رود.

نتیجه‌گیری

تصویرپردازی بصیرت‌بخش از آینده مستلزم سه اقدام مهم زیر است:

الف) وقوف بر ماهیت تصویرپردازی‌های القایی و خنثی‌سازی آن‌ها از طریق افشای اطلاعات و دانسته‌ها.

ب) تصویرپردازی از آینده با تأکید بر خواست عمومی مردم و منافع ملی و ارائه مدل عملی.

ج) برانگیختن عزم ملی و تدوین استراتژی ملی برای عینیت بخشیدن به تصویر جایگزین.

در این تحقیق سعی شد تا با ارائه تصویری قرآنی، گام دوم طبق رویکرد بصیرت‌بخش برداشته شود. تصویری که بر اساس آیات قرآن کریم از آینده موعود به دست آمد، تصویری امیددهنده و روشن از آینده است. تصویری است که بر پیروزی حق بر باطل تأکید دارد و بر اساس گسترش عدل و فراگیر شدن آن ترسیم شده است. این تصویر بر گسترش امنیت و آرامش و رضایت مؤمنین که اهل آن جامعه هستند اشاره دارد.

حکومت این جامعه، حکومتی است مبتنی بر ارزش‌های دینی و اصول اسلامی. حاکمان به عنوان قوه مجریه حکومت، صالحین هستند و اینانند که زمین را به ارث برده و آینده موعود را از آن خود می‌کنند. قوانین اسلام به عنوان قوه مقننه حکومت نقش ایفا می‌کند. این حکومت نمونه‌ای از حکومت داوودی و سلیمانی (ع) است که در قرآن به گوشه‌هایی از آن اشاره شده، البته بسیار کامل‌تر و فراگیرتر از آن.

اما در گام سوم که مهم‌ترین مرحله از رویکرد تصویرپردازی بصیرت‌بخش است، عمل برطبق این تصویر و حرکت به سمت ایجاد شرایط تحقق آن است. به عبارت

دیگر، برانگیختن عزم ملی و تدوین استراتژی ملی و سیاست‌گذاری‌های صحیح بر اساس این تصویر باید صورت گیرد.

ارائه تصویر درست و صحیح از آینده باعث ایجاد انگیزه و شوق در افراد برای حرکت رو به جلو می‌شود، منتها از این انگیزه ایجاد شده باید نهایت استفاده را کرد. به عبارت دیگر، باید درست برنامه‌ریزی کرد و از شوق موجود در افراد برای حرکت در جهت تحقق تصویر آینده موعود استفاده بهینه داشت. حال چگونه می‌توانیم درست برنامه‌ریزی کنیم و یا بهترین استراتژی برای رسیدن به آینده موعود و تحقق آن چیست؟ وظیفه ما در مقابل این تصویر از آینده چیست؟ چه حالت و شرایطی را باید در دوران غیبت که در آن به سر می‌بریم، ایجاد کنیم که بهترین شرایط و حالات باشد؟ برای دستیابی به پاسخ این سؤالات، لازم است پژوهش‌های دیگری در این زمینه صورت گیرد.

یادداشت‌ها

- 1- Futurology
- 2- Prediction
- 3- Forecast
- 4- Prospective
- 5- Strategic planning
- 6- Future Study
- 7- Futurology

۸- جهت مطالعه در این زمینه ر. ک: پورعزت، ۱۳۸۲.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه (ترجمه فیض الاسلام).

ابن منظور الافریق المصری (۱۴۲۶ ه. ق)، لسان العرب، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ ه. ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن،

مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

بحرانی، سید هاشم (۱۳۷۴)، *سیمای حضرت مهدی (عج) در قرآن*، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، آفاق.

بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، بنیاد بعثت.

پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۲)، «تصویرپردازی از آینده: استراتژی اقدام در سیستم‌های اجتماعی»، *سخن سمت*، شماره ۱، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

همو (۱۳۸۳- الف)، «تصویرپردازی بصیرت‌بخش از آینده موعود: استراتژی فوق فعال انتظار شهر عدل در ایران»، *کمال مدیریت* (ویژه‌نامه مدیریت دولت و چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران)، شماره ۸ و ۹.

همو (۱۳۸۳- ب)، «تصویرپردازی از شهر عدل امام مهدی (عج): تجلیگاه تمام خرد و کمال هنر انسانی»، مرکز تخصصی مهدویت، *مجله انتظار موعود*، شماره ۱۳.

همو (۱۳۸۳- ج)، «تصویرپردازی از آینده: استراتژی برای وحدت‌آفرینی بر مدار شهر عدل»، *مجموعه مقالات هفدهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی*.
تافلر، الوین (۱۳۶۳)، *موج سوم*، ترجمه شهین‌دخت خوارزمی، تهران: نشر مترجم.
تقوی گیلانی، مهرداد و غفرانی، محمد باقر (۱۳۷۹)، *مطالعات و روش‌های آینده‌شناسی*، رهیافت، ش ۲۲.

حکیمی، محمد (۱۳۷۴)، *عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام*، پژوهشی در انقلاب جهانی مهدی (عج)، قم: بوستان کتاب.

حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۹)، *خورشید مغرب*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
ذوالفقارزاده، محمد مهدی (۱۳۸۵)، *تصویرپردازی از مدیران آینده: به سوی الگوی قرآنی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، (دوره ۲۰ جلدی)، ترجمه موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)، *ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، مترجمان، فراهانی.

عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ ه.ق)، *تفسیر نور الثقلین*، اسماعیلیان.

- کارگر، رحیم (۱۳۸۳)، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج).
- کمیجانی، داوود (۱۳۸۴)، بررسی مبانی آینده پژوهی دینی و غیردینی، تهران: طرح پژوهشی، بی نا.
- کورانی، علی و همکاران (۱۴۱۱ ه.ق)، معجم احادیث المهدی (عج)، (دوره ۵ جلدی)، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۴)، «تصمیم‌گیری بر مبنای چشم‌انداز موعودگرا: الگویی در حوزه سیاست‌گذاری عمومی»، کمال مدیریت، شماره ۶ و ۷.
- همو (۱۳۸۵)، «مدل تصمیم‌گیر آینده‌نگر در راستای تحقق چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران»، مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، نشر مؤسسه عالی آموزش و پژوهشی مدیریت و برنامه‌ریزی، ج ۱.
- همو (۱۳۸۶)، تصمیم‌گیری استراتژیک مطالعه موردی رویکرد موعودگرایی شیعه، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- گودرزی، غلامرضا و ندری، کامران (۱۳۸۲)، طرح پژوهشی «بررسی تحلیلی اصول، قواعد و روش‌های آینده‌نگری علمی»، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- مجلسی، محمد تقی (بی تا)، بحار الأنوار (دوره ۱۱۰ جلدی)، دار الکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه.
- تقی پورفر، ولی الله (۱۳۷۶)، اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- همو (۱۳۷۷)، بررسی شخصیت اهل بیت علیهم السلام در قرآن به روش قرآن به قرآن، مرکز آموزش مدیریت دولتی.